دکتر موسی حقانی:

یکی از راه‌های تبیین نشان دادن واقعیات تاریخ است

«در ایـن جهادی که وجود دارد، در این جنگ بی‌امانی که وجود دارد بین اسلام و کفر، بین حق و باطل، بین روایت دروغ و حقیقت - این جنگی اسـت بین اینها- ما در کجای این جبهه قرار داریم و حضور داریم؟» ۱۴۰۰/۱۱/۳

«جهاد تبیین» موضوعی است که ماه‌های اخیر در بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای بارها مورد تأکید و اشاره قرار گرفته است و رهبر انقلاب اسلامی ابعاد مختلف آن را توصیف کرده‌اند. ««جهاد تبیین» یک فریضه است. «جهاد تبیین» یک فریضه قطعی و یک فریضه فوری اسـت و هر کسی که می‌تواند [باید اقدام کند].» ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

خطابی عمومی که همه افراد جامعه در جنگ رسانه‌ای دشمن علیه حقایق انقلاب اسلامی مردم ایران، مخاطب آن هسـتند و می‌توانند ایفای نقش کنند؛ اگرچه مسئولین در این زمینه وظایف سنگین‌تری بر دوش دارند. آنچه در ادامه می‌خوانید، گفت‌گوی پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR با دکتر موسی نجفی، استاد علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی است که به اهمیت تبیین حوادث تاریخی و ارائه روایت صحیح از واقعیات دوران معاصر پرداخته است.

زمینه و دلیل طرح موضوع «جهاد تبیین» از سوی رهبر انقلاب در این برهه از زمان چیست؟

بحـث تبیین صرفاً ربطی به این دوره ندارد و همیشـه باید از انقلاب تبیین داشته و نسبت به مسائل، کاملاً آگاهی داشته باشیم. الان به‌دلیل شرایطی که در کشور وجود دارد، -البتـه از اول انقلاب هم رسـانه‌های خارجی فعال بودند و جهت‌دهی افکار عمومی را برعهده داشته‌اند- فضای مجازی بسـیار قوی‌ترشده و بسیاری از مباحث کوتاه و نقطه‌گذاری شده، ذهن جوانان و مردم را هدف قرار می‌دهند. طبیعی است که ما نیز در برابر آن‌ها مقابله داشته باشیم. بحث آگاهی هم مهم است و باید با ابزارهای فکری، عقلانی، هنری، فلسفی و مذهبی بتوانیم تبیین خودمان را داشته باشیم.

فکر می‌کنید چه لطماتی از عدم تبیین در زمینه تاریخ معاصر بعد از انقلاب برای ما به‌وجود آمده است؟

برخی تاریخ معاصر ایران را از مشروطیت آغاز می‌کنند. در آن زمان، بیشتر روزنامه و شب‌نامه به‌عنوان رسانه کار می‌کرد. گروه‌های مذهبی در کار تشـکیلاتی و رسانه‌ای از گروه‌های غربگرا عقب‌تر بودند. آن‌ها توانسـتند از این برتری استفاده کنند؛ حتی یکی از عواملی که جریان مشروطه را عوض کرد و برای کودتای رضاخانی زمینه‌سـازی کرد، عدم تبیین بود. این عدم تبیین باعث شـد انقلابی که به نام آزادی و عدالت بود، به‌دسـت دیکتاتوری مثل رضاخان بیفتد و قرار بود راه نفوذ بیگانگان بسته شود اما انگلیس و کشورهای دیگر نیز از راه دیگری از طریق رضاخان وارد شدند. قهرمانان هم جابه‌جا شدند و شخصیتی مانند شیخ فضل‌الله نوری به شهادت رسید. طول کشید تا مردم دریابند که چه رهبری را از دست داده‌اند. این به‌دلیل عدم تبیین و تحلیل مردم بود.

چرا «جهاد تبیین» به‌معنای اخص و اعم کلمه و با قدرت در سال‌های تاریخ معاصر وجود نداشته است؟

نمی‌توان گفت وجود نداشـته است، پس این انقلاب‌ها چیست‌اند که به‌وجود آمدند؟ نهضت نفت، انقلاب اسلامی و انقلاب مشروطه نتیجه حرکت بیداری اسلامی و «جهاد تبیین» بوده‌اند. شاید بتوان گفت در حجمی که انقلاب صورت‌گرفته دشمنان توانسـتند ضد آن را بزنند و آن را شکست دهند و به همین اندازه غفلت شـده است. همین که انقلاب اسلامی رخ داد، یعنی «جهاد تبیین» کار خودش را کرده و دشـمن نتوانسته است که با کمک تبلیغات خود در مقابل رخداد این انقلاب مقابله کند، ولی بعد از آن دشمنان از برتری رسانه‌های خود اسـتفاده کردند و شـیوه‌های تغییـر جهت‌دهی افکار عمومی را بلد بودند؛ اما جناح مذهبی و انقلابی و متدینین در عینی که می‌توانند از وسـایل مدرن استفاده کنند، مجهز به ابزارهای سنتی خود نیز هستند. به همین دلیل در دوره قبل از انقلاب توانستند غلبه کنند، زیرا جناح مقابل فکر نمی‌کرد که در مساجد، منابر، حسینیه‌ها و دیگر اماکن مذهبی چنین قدرتی برای تبیین افکار عمومی وجود داشـته باشد. این را اولین‌بار حضرت امام رحمةالله علیه در تاریخ معاصر کشـف کرد که می‌شـود از این ابزار مذهبی و دینی اسـتفاده کرد و انقلاب بزرگ دینی و اسـلامی به‌راه انداخت. این نشانگر آن است که غلبه صورت‌گرفته اما کافی نیست؛ چون دشمن ضد آن را می‌سـازد و باید تبیین صورت بگیرد. ابزارهای سنتی و مذهبی هم بعد از گذشت چهل پنجاه سال باید تغییراتی در آن‌ها صورت‌گرفته و به‌روزرسانی شوند تا بتوانند در مقابل آن موج مؤثر واقع شوند؛ اما این کار انجام نشده است.

شما اشاره کردید که باید روی شیوه‌ها کار شود. در حوزه تبیین تاریخی چه سازوکارهایی باید شکل بگیرد که این تبیین در آینده بهتر به وقوع بپیوندد؟

یکـی از راه‌های تبیین، خود تاریخ و عبرت‌گرفتن از آن است. مانند فردی که یک‌بار ورشکسته‌شـده و ضرر کرده است، دوباره در همان نقطه سرمایه‌گذاری می‌کند. کسی به او می‌گوید که بیا این را بخوان، زیرا کسانی که قبل از تو از این راه رفتند، شکست خوردند و تو از این راه نرو. یکی از راه‌های تبیین، نشـان‌دادن تاریخ است. برای همین هم دشمنان بر تاریخ بسیار سرمایه‌گذاری می‌کنند و با کمک فیلم، عکس و کلیپ به تحریف تاریخ می‌پردازند؛ مثلاً، در مورد تاریخ پهلوی بسیار دشوار است که یک دوران طلایی از این دوره نشان داده شود، درحالی‌که چنین چیزی وجود نداشته است. دوره پدر و پسر بسیار سیاه بوده و سخت است که بتوان آن را طلایی جلوه داد. به‌دلیل فشار اقتصادی و تحریم‌هایی که اکنون در جامعه وجود دارد، به تبیین نیاز بیشـتری احساس می‌شود. یکی از ابعاد تحریم‌ها همین جهت‌دهی به افکار عمومی است تا مردم را به این سمت ببرند که نشان دهند انقلاب از اینکه نیازهای شما را پاسخ‌گو باشد، ناتوان است؛ بنابراین، مجبورند رژیم گذشته را پررنگ کنند. همه موارد به یکدیگر ربط پیدا می‌کنند. یکی از جاهایی که دشمنان غیر از معیشت و اقتصاد هدف قرار دادند، افکار مردم اسـت؛ لذا، برای مقابله با آن‌ها راه‌هایی وجود دارد که یکی از آن‌ها تولید اقتصادی اسـت و دیگری تولید فکر است؛ یعنی تولید فرهنگی و تولید فکر در مقابله با تحریم بسیار مهم است. «جهاد تبیین»، نقطه تولید فرهنگی در راستای مقابله با تحریم‌هاست. تحریم‌ها دو جبهه دارند؛ فرهنگی و روانی، اقتصادی و معیشتی. معیشت مردم باید با تولید اقتصادی درست شود، اما جبهه فرهنگی را باید با تولید فرهنگی و فکری سروسامان داد.

سیره تبیینی امام خمینی رحمةالله علیه و رهبری در ۴۳ سال اخیر چه شاخص‌هایی دارد؟

امام رحمةالله علیه درگیر صورت‌مسـئله شاه، آمریکا و جنـگ بودند. رهبر انقلاب در دوره پس از جنگ بودند ولی عوارض و سـختی‌های جنگ همچنـان پابرجا بود و جبهه گسـترده‌تری در مقابل رهبری باز شد. برخی از مسائل در دوره امـام خمینی رحمةالله علیه به‌اجمال بود ولی در دوره رهبر انقلاب به تفصیل وجود داشت. جامعه مسائل مربوط به رژیم قبل را پشت‌سرگذاشته و جنگ نیز پایان یافته بود اما در اینجا صورت‌مسئله جدیدی پیش آمد؛ اینکه کل کشور چگونه باید اداره شود. به نظر من، حضرت امام خمینی رحمةالله علیه بیشتر بحثشان انتقال به سطح نظام بود و رهبر انقلاب بیشتر تبیین نظام و حرکت آن به طرف تمدن است.

به نظر شما مؤسسات تاریخی و پژوهشکده‌ها چه نقشی می‌توانند در «جهاد تبیین» داشته باشند؟

«جهاد تبیین» دو صورت دارد؛ یکی باید گروه مخاطب را هـدف قرار داد که یک گروه آن‌ها نخبگان را هدف قرار می‌دهند و خواص و گروه دیگر توده مردم و قشر وسیع‌تری را؛ یعنی یکی به‌طرف قاعده هرم و دیگری به‌طرف رأس هرم حرکت می‌کند. تبییـن برای این دو گروه با یکدیگر فرق می‌کند. تبیین گروه خاص باید علمی‌تر بوده و بر اسـاس دلایل متقن و عقلانی‌تر باشد ولی تبیین گروه عوام، توده و مـردم عادی در عین حال کـه باید عقلانیت را در خود داشـته باشد، باید تبلیغ، حماسه، ادبیات، هنر و سینما را هدف قرار دهد، زیـرا مردم عادی به این زمینه‌ها گرایش بیشتری دارند. کمتر مردم عادی به‌سمت اسناد گرایش دارند و به سراغ اسنادی نمی‌روند که در رژیم پهلوی بوده است و نشان می‌دهد که رضاشاه وابسته به فلان کشور خارجی بوده است. مردم این را قبول دارند اما برای نشان‌دادن آن به نسل جوان و مردم عادی آثار هنری تأثیر بیشتر و بهتری خواهد داشت. در این زمینه غربی‌ها بسیار قوی هستند و کار می‌کنند و بیکار نمی‌نشـینند، هم از رسـانه و هم در شرایط جدید از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. برای همین هم وقتی شورش می‌شود و نارضایتی‌های اقتصادی به‌وجود می‌آید، رسانه و فضای مجازی‌شان به‌کار می‌افتد تا به خشونت‌ها جهت سیاسی بدهند.

با این فرضیه که ما در دانش علوم انسانی متکی به چارچوب‌ها و نظریات اندیشه غربی هستیم، در چنین بستری تبیین چقدر امکان رخداد دارد؟

این‌گونه نیسـت که انحصار آن در دست غربی‌ها باشد، بلکه نظریات ما هم وجود دارد و این‌گونه نیسـت که همه‌جا را اشغال کرده باشند و ما بی‌دست‌وپا نشسته باشیم. در این زمینه بسـیار کار شده اسـت. همین انقلاب در چهارچوب نظریات اسـلامی ما به وقوع پیوست. آن‌ها انقلاب را به این صورت تحلیل کردند که یکی بر پایه کتاب‌های دانشمندان خودشـان بوده و گروه دیگری از همان‌ها در رسانه‌هایشان استفاده کردند. این در گروه‌ها و ... سرریز می‌شود. آن‌ها مدل دیگری هستند که می‌گویند انقلاب فریب بوده است و مردم اشتباه کردند. در اینجا هم ده‌ها تئوری و نظریه وجود دارد و ما ساکت نبوده‌ایم. در مقابل آن‌ها این تئوری‌ها گذاشته‌شده و این‌گونه نبوده که ما ساکت بمانیم. در برخی از رشته‌های دانشگاهی غلبه بر نظریات غربی است، اساتید هم بیشتر آن‌ها را تدریس می‌کنند و زاویه ذهن جوانان و دانشجویان را برای خودشان به‌وسیله نظریات غربی اشغال می‌کنند.

در آخر اگر نکته‌ای هست، بفرمایید؟

در شرایط دهه پنجم انقلاب، باید بتوانیم دقیقاً برعکس فضـای یأس و انحطاطی که تلاش می‌شـود برای انقلاب ترسیم کنند، حرکت کنیم و در مقابل آن انحطاط، اطلاعات را هدف‌گذاری کنیم و در مقابل یأس به جامعه امید دهیم و نکات مثبت را بیشتر تبیین کنیم. به نظر من، جامعه‌ای که امیدش را از دسـت بدهد، دل‌مرده می‌شود. انقلاب با دل‌مردگی میانه‌ای ندارد. افق روشن آینده و راه سختی که تاکنون آمده‌ایم نیز را باید درست تبیین کنیم.

در شـرایط دهه پنجم انقـلاب، باید بتوانیـم دقیقاً برعکـس فضای یأس و انحطاطی که تلاش می‌شـود برای انقلاب ترسیم کنند، حرکت کنیم و در مقابل آن انحطـاط، اطلاعات را هدف‌گـذاری کنیم و در مقابل یأس بـه جامعه امید دهیـم و نکات مثبت را بیشـتر تبیین کنیم. به نظر مـن، جامعه‌ای که امیدش را از دسـت بدهد، دل‌مرده می‌شـود. انقلاب با دل‌مردگی میانـه‌ای ندارد. افق روشـن آینده و راه سـختی که تاکنون آمده‌ایم نیز را باید درست تبیین کنیم.

یکـی از راه‌های تبیین، خود تاریخ و عبرت‌گرفتن از آن اسـت. مانند فردی که یک‌بار ورشکسته‌شده و ضرر کرده اسـت، دوباره در همان نقطه سرمایه‌گذاری می‌کند. کسـی به او می‌گوید که بیا این را بخوان، زیرا کسانی که قبل از تو از این راه رفتند، شکسـت خوردند و تو از این راه نرو. یکی از راه‌های تبیین، نشان‌دادن تاریخ است. برای همین هم دشـمنان بر تاریخ بسیار سرمایه‌گذاری می‌کنند و با کمک فیلم، عکس و کلیپ به تحریـف تاریخ می‌پردازند؛ مثلاً، در مورد تاریخ پهلوی بسیار دشـوار اسـت که یک دوران طلایی از این دوره نشان داده شود درحالی‌که چنین چیزی وجود نداشـته است. دوره پدر و پسر بسیار سیاه بوده و سخت است که بتوان آن را طلایی جلوه داد. به‌دلیل فشار اقتصادی و تحریم‌هایی که اکنون در جامعه وجود دارد، به تبیین نیاز بیشـتری احسـاس می‌شـود.

بیانیه‌ای از درون تاریک سیاه‌اندیشان
مبارزان دیروز، بدخواهان امروز

طاهره سیدی

۱. انقلاب شکوهمند اسـلامی ایران در حالی جشن چهل‌وسومین سالگرد پیروزی خود را برگزار می‌کند که پس از طی بیش از یک چلّه پرافتخار، در نقطه‌ای قرار گرفته که دشمنان پرکینه‌اش روش‌های متعددی را برای براندازی و مقابله بـا آن، تجربه و کارآزموده‌اند؛ اما موفقیت چندانی، کسب نکرده‌اند؛ تحمیل جنگی نابرابر به مدت ۸ سال، ترور حلقه یاران صدیق و تأثیرگذار امام خمینی(ره)، ایجاد فضای رعب و وحشت به وسیله ترور ناجوانمردانه مردم در روزهای ابتدایی پیروزی انقلاب، تلاش برای نفوذ در رده‌های مختلف مسئولین و بر سر کارآمدن مدیران نالایق، غربگرا و واداده در برابر سلطه استکبار، ایجاد فضای غبارآلود فتنه در سال ۷۸ و سـپس فتنه سبز سال ۸۸ و بسیج تمامی عوامل داخلی و خارجی‌اش برای به زانو درآوردن نظام جمهوری اسلامی در این فتنه‌ها، تحریم‌های سخت و فلج‌کننده که یک‌به‌یک توسط رؤسای‌جمهور خبیث آمریکا تمدید می‌شد و...

اینک که دشـمن، با انواع ناکامی‌ها روبه‌رو گشـته و نومیدانه شـکوه و عظمت انقـلاب را می‌نگرد که چگونه روزبـه‌روز بـر اقتـدار و محبوبیت آن در میـان آزادگان و ملّت‌هـای سـتمدیده جهان افزوده می‌گـردد، جمعی معلوم‌الحال که کارنامه سیاهِ مدیریتی‌شان بر کسی پوشیده نیسـت، سعی می‌کنند با نوشتن بیانیه و گفتن حرف‌های دشمن‌پسند، فضای عمومی کشور را تیره و تار جلوه داده و اعتقاد مردم را به انقلاب اسلامی و آرمان‌هایش نشانه بگیرند؛ به گمان خود تیری در تاریکی رها کنند شـاید بتوانند از آبی که خود در سال‌هایی که اقتدار سیاسی داشته‌اند و با بی‌مسـئولیتی و بی‌تدبیری خویش آلوده نموده‌اند، ماهیِ دلخواه خویش را صید کنند و از زیر بار مسئولیت عملکردِ مدیریتی خویش شانه خالی کرده، نظام مقدس جمهوری اسلامی را به چالش بکشانند.

۲. نگارنده بر این عقیده است مجمع روحانیون مبارز و مجمع مدرسـین و محققین حوزه علمیه قم با نوشتن بیانیه اخیر، همسویی خود را با سیاست‌های دشمن بیش از پیش ثابت نموده است. شاهد این مدّعا، مشابهت و تطابق بسیار زیاد، بینِ ساختار بیانیه یادشده با شگردهایی است که دشـمن سالِ‌هاست در «جنگ نرم»، در تقابل با نظام جمهوری اسلامی به کار می‌برد. چنانچه مخاطب، مختصری با روش‌های جنگ نرم آشـنا باشد، با اندکی تأمّل می‌تواند ردّپای این شـیوه‌ها را در این بیانیه، مشاهده کند. برخی روش‌های جنگ نرم عبارتند از:

الف) برچسب زدن: هدف از این شیوه، آن است که نظر، فکر و یا گروهی محکوم شـوند، بدون آنکه استدلالی در محکومیت آنها آورده شـود. در نوشـتار یاد شـده، به نظام جمهوری اسلامی برچسـب‌های متعدّدی همچون: داشتن روحیه «خودخواهی و تعصّب ناروا» (بیانیه مجمع روحانیون مبارز و مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قـم، ۱۴۰۰/۱۱/۱۲، بند۱)، «متفاوت بـودن» و در واقع ادّعای «تعارض داشـتن رویکرد عملی نظام با شـعارها و آرمان‌های اولیه» (همان، بند۴)، «تشـدید حاکمیت‌های چندگانه، سـردرگمی، تعارض پرهزینه در مدیریت، لوث شدن مسئولیت‌ها، لطمه دیدن کارآمدی» (همان، بند۵) نسـبت داده شده، بدون آنکه استدلال و سند معتبری در اثبات آن ادّعا، ارائه گردد.

ب) توسل به ترس: در این شیوه، به مخاطبان این‌گونه القاء می‌شـود که آینده‌ای مبهم و همراه با سـختی‌ها و مشـکلات در پیش‌رو خواهند داشت. در این بیانیه، بارها و بارها این شگرد مورد استفاده قرار گرفته؛ حتّی می‌توان گفت به‌طور کلّی، روح حاکم بر این نوشته، همین توسّل به ترس است: ترس از «به هم خوردن نظم، از هم پاشیدگی جامعه، هرج‌ومرج و آشفتگی، تنگ‌تر شدن فضای زندگی و تنفّس» (همان، بند۱)

پ) کلی‌گویـی: در ایـن روش تلاش می‌شـود با مفهوم‌پـردازیِ کلّـی، مخاطب بدون شـواهد و دلایل و بی‌آنکـه از جزئیـات مطلع باشـد، عقیده و یا سیاسـت مورد نظر را بپذیرد. چنین شـیوه‌ای در این بیانیه با بیان تعبیراتی همچون: «جمهوری اسلامی از آرمان‌ها، منحرف گشته اسـت.» (همان، مقدمه)، «جامعه ما، با بحران‌های بزرگی در عرصه‌های مختلف روبه‌رو است.» (همان، بند۷)، «لحظه‌به‌لحظه، جمهوریت نظام کمرنگ‌تر شـد و اسلام سـازگار با جمهوریت در عرصه رسمی منزوی‌تر گشت و بینش و منشـی از اسلام قدر دید و در صدر نشست و در بسیاری از عرصه‌های حکمرانی، میدان‌دار شد که جمهوریت را از اساس مردود می‌دانست.» (همان، بند۵) و به کار بردن عباراتی تحت عنوانِ «شاخصه‌های حکمرانیِ خوب» و القای دور شـدن نظام از این شاخصه‌ها (همان، بند۱۲)، بارها و بارها مورد استفاده قرار گرفته است.

ت) مبالغه: روشی اسـت که در آن، دشمن با اغراق کردن و بزرگنمایی یک موضوع، سـعی در همسـو کردن افکار عمومی با خویش دارد. این شـیوه نیز چندین‌بار در این نوشـتار به کار رفته اسـت. از جمله: ادّعای «کمرنگ شدن جمهوریت نظام و میل به سوی حکومت به اصطلاح اسلامی» (همان، بند۵)، «مغضوب و مردود شناخته شدن همه دولت‌های نظام جمهوری اسلامی پس از پایان خدمت» (همان، بند۶)، «روبه‌رو بودن جامعه با بحران‌های بزرگ در همه عرصه‌ها» (همان، بند۷)، «شدّت یافتن اعتراض‌های غیرسیاسی در جامعه» (همان، بند۷)، «تنگ شدن دایره خودی‌ها در جمهوری اسلامی» (همان، بند۱۱).

ث) پاره‌حقیقت‌گویی: در این شیوه، دشمن متناسب با موضوعی که به آن متمایل است، بخشی از خبر را نقل و بخشی دیگر را نقل نمی‌کند؛ خبر هنگامی کامل است که عناصر خبری در آن به شکلی مطرح شوند اما چنانچه یکی از عناصر خبری شش‌گانه «که، کجا، کِی، چه، چرا، چگونه» در خبر بیان نشود خبر، ناقص است. در شگرد پاره‌حقیقت‌گویی، حذف یکی از عناصر به عمد صورت می‌گیرد و بیشتر اوقات عنصر «چرا» حذف می‌شـود. در این بیانیه، چنین خبری بازگو شـده اسـت: «مردم می‌گویند: آب و برق مجانی و مسکن ارزان که وعده‌اش داده شد، پیشکش؛ ابتدایی‌ترین نیازهای ما را تأمین کنید. مردم از بیکاری و رکود می‌نالند و فقر توأم با احساس بی‌آیندگی از یکسو و فسادهای بزرگ و شرم‌آور و هدر رفتن سرمایه‌های طبیعی و انسانی خطر بزرگی اسـت که کشور و ملّت را تهدید می‌کند.» (همان، بند۷). نگارندگان بیانیه، به این سؤال‌ها پاسخ ندادند که به فرض واقعی بودن چنین وضعیتی، «چرا» و «چه کسانی» مسئول به‌وجود آمدن این وضعیت هستند؟ مفسدان بزرگ اقتصادی «چه کسانی» هستند؟ آیا هیچ نسبتی بین این مفسدان بزرگ و صادرکنندگان بیانیه و دولت‌های حامی این دو مجمع، وجود ندارد؟ یا در جایی دیگر گفته شده: «همه دولت‌ها در نظام جمهوری اسـلامی، پس از پایان خدمت خویش، مغضوب و مردود شناخته‌شده‌اند.» (همان، بند۶)؛ اینکه «کدام دولت‌ها» و «چرا» چنین سرنوشـتی را پیدا کرده‌اند، «چه کسانی» از این دولت‌ها حمایت کرده و آنها را بر سر کار آورده‌اند و «کدام» سیاست‌های این دولت‌ها، مورد انتقاد مردم قرار گرفته است؛ به عمد، نادیده انگاشته شده و پاسخی به آن داده نشده است.

ج) دروغ‌پردازی: به‌طور معمول، این عمل از سـوی دشـمن برای مرعوب کردن حریف یا افکار عمومی مورد اسـتفاده قرار می‌گیرد؛ به ایـن صورت که پیامی را که به هیچ وجه واقعیت ندارد، بیان می‌کنند. گوبلز وزیر تبلیغات هیتلر، می‌گوید: «دروغ، هرچه بزرگ‌تر باشد، باور آن برای مردم راحت‌تر اسـت.» متأسفانه در این بیانیه از این شیوه که ناجوانمردانه‌ترین روش جنگ نرم است، نیز استفاده شده اسـت؛ به این ترتیب که ادّعاهایی شده که به هیچ عنوان واقعیت ندارد و شواهد، همگی عکس آن را بیان می‌کنند. مانند: «جمهوری اسلامی از بسیاری از کشورها عقب مانده و کارنامه درخشـانی ندارد» (همان، بند۶)، «آنچه صورت گرفته است، نسبتی با آرمان‌های انقلاب و خواستِ تاریخی ملّت ندارد»(همان، بند۶)

چ) اقناع: شگردی که در آن به کلام و احساس توسل می‌شـود تا نوعی رضایت روانی در مخاطب ایجاد گردد و افکار به سمت و سویی خاص سوق پیدا کنند. اقناع نیز از جمله روش‌هایی است که صادرکنندگان بیانیه در همسویی و همگامی آشکاری با دشمن، از این شیوه برای یاری گرفتن از احساسات در القای باورهای خاص خویش به مردم به کار گرفته‌اند؛ از جمله: «وعده آب و برق مجانی و ناامید شدن مردم از تأمین نیازهای اولیه خود» (همان، بند۷)، تشبیه یارانه‌ها به «صدقه» (همان، بند۱۰)

ح) تردیدافکنی و جایگزینی منابع: «تشکیک» در باورها، در واقع، نرم‌سازی ذهن طرف مقابل برای پذیرفتن عقیده موردنظر اسـت. «شک»، فرد را دچار خلأ فکری و منطقی می‌کند و آماده می‌شـود تا چیزهای دیگری را در ذهن بپذیرد. در بیانیه یادشده، بارها سعی شده است این تردید در افکار عمومی به وجود آید که «آنچه صورت گرفته است چه نسـبتی با آرمان‌های انقلاب و خواست تاریخی ملّت که در جست‌وجوی آزادی، استقلال و پیشرفت توأم با عدالت، اخلاق و معنویت بوده است دارد؟» (همان، بند۶).

خ) تکرار، تعقیب و پیگیری: با این راهکار، دشمن سعی می‌کند با تکرار پی‌درپیِ یک پیام، آن را در ذهن مخاطب جا بیندازد. در نوشـتارِ یادشده، بارها و بارها القاء شده که «مسیری که جمهوری اسلامی در پیش گرفته با آرمان‌ها و خواست مردم در انقلاب ۵۷، تعارض دارد» (همان، مقدمه، بند۵، بند۶، بند ۱۰، بند۱۱، بند۱۲، بند۱۳)

۳. در طـول تاریـخ نمونه‌های فراوانـی از روی برگرداندن مبـارزان، از مواضع قبلی خود وجود دارد و انقلاب اسـلامی ایران نیز از چنین سنت تاریخی، مستثنا نبوده است. به تعبیر آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، در انقلاب اسـلامی ما نیز «ریزش/ توبه‌کار از انقلاب/ پشـیمان از انقلاب» داشـته‌ایم؛ اما «رویش»‌های ما بیشتر از «ریزش»‌های ما بوده است. (بیانات در دیدار با خانواده‌های شـهدا و ایثارگران خراسـان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۲) چه‌بسـا انقلابیونی که آگاهی از سابقه مبارزاتی ایشان، تحسین و تمجید همگان را برمی‌انگیزد اما بنا به دلایل مختلفی از جمله: دنیاپرسـتی، ضعف روحی و عقیدتی، گرفتاری در دام عُجب و خودپسندی، تأثیر پذیرفتن از اطرافیانِ گمراه، دلخوش شـدن به لبخند و تحسین دشمنانِ، گرفتار شدن در دام روابط حزبی و گروهی، از حرکت بازمانده‌اند و نتوانسـته‌اند انقـلاب و ملّـت را همراهی کنند و چه‌بسـا به گناه نابخشودنیِ همراهی و همسویی با دشمن روی آورده‌اند. پیش رویِ چنین کسانی دو راه بیشتر وجود ندارد: یا نصیحتِ خیرخواهانه دلسوزانِ واقعیِ خویش را بپذیرند و بـه آغوش ملّت و انقلاب بازگردند و درصدد جبران خطاهای خویش برآیند و یا از سوی ملّت و نظام، طرد و منزوی گردند که در این صورت عاقبتی شوم در دنیا و آخرت انتظارشان را می‌کشد.

چه بسا انقلابیونی که آگاهی از سابقه مبارزاتی ایشان، تحسین و تمجید همگان را برمی‌انگیزد اما بنا به دلایل مختلفی از جمله: دنیاپرستی، ضعف روحی و عقیدتی، گرفتاری در دام عُجب و خودپسندی، تأثیر پذیرفتن از اطرافیانِ گمراه، دلخوش شدن به لبخند و تحسین دشمنان، گرفتار شدن در دام روابط حزبی و گروهی، از حرکت بازمانده‌اند و نتوانسته‌اند انقلاب و ملّت را همراهی کنند و چه‌بسا به گناه نابخشودنیِ همراهی و همسویی با دشمن روی آورده‌اند. پیش روی چنین کسانی دو راه بیشتر وجود ندارد: یا نصیحتِ خیرخواهانه دلسوزانِ واقعیِ خویش را بپذیرند و به آغوش ملّت و انقلاب بازگردند و درصدد جبران خطاهای خویش برآیند و یا از سوی ملّت و نظام، طرد و منزوی گردند که در این صورت عاقبتی شوم در دنیا و آخرت انتظارشان را می‌کشد.

فرمان تبیین در برابر جنگ شناختی

دکتر عباسعلی رهبر*

مقوله «جهاد تبیین» در بیانات رهبر انقلاب را می‌توان از باب نگاه به قدرت نرم و از باب نگاه الهیاتی مورد واکاوی و تحلیل سیاسی و اجتماعی قرار داد.

باب نگاه قدرت نرم

رهبر انقلاب می‌فرمایند ما باید بحث تبیین را نسبت به حقایق انجام بدهیم و خیلی از حقایق باید تبیین شوند. این جمله به‌معنای این است که هنوز بسیاری از حقایق هستند که تبیین نشده‌اند و یا به‌خوبی این کار انجام نشده است. در مقابل تبیین، حرکت گمراه‌کننده و تحریف‌کننده دشمن وجود دارد که از جوانب مختلف و از صدها طرف به‌سوی جمهوری اسلامی ایران سرازیرشده و می‌خواهد افکار مردم را مورد اثرپذیری سم‌آلود قرار دهد. از این جهت، یکی از موضوعات خوبی که رهبر انقلاب ذکر می‌کنند این است که افکار عمومی را به‌سـمت راه درست و منطقی و راهی که در آن عقلانیت انقلابی هست، هدایت کنیم. «جهاد تبیین»، خنثی‌کننده توطئه دشمن است. با «جهاد تبیین» می‌توان حرکات صحیح را منتشر کرد و به سؤالات پاسخ داد. همچنین با «جهاد تبیین» می‌توان ابهام‌آفرینی‌های موجود در فضای اجتماعی و مجازی را به‌نوعی مورد خدشه قرار داد و با آن مقابله کرد.

جوزف ساموئل نای سال ۲۰۱۱ در کتاب «The Future of Power» می‌گوید آمریکا در آینده تمایل چندانی به استفاده از قدرت نظامی نخواهد داشت و برتری نظامی به‌معنای برتری جهانی نیسـت. وی در مورد ایران هم ایـن بحث را مطرح می‌کند و می‌گوید که آمریکا جنگ نرم را با ایران در پیش خواهد گرفت و از اهرم فشار اقتصادی استفاده می‌کند. اکنون ما داریم انواع فشارهای اقتصادی را برای از بین بردن یا تغییر در نظام محاسباتی جمهوری اسلامی از طرف آمریکا و قدرت‌های غربی می‌بینیم که به‌طور خاص موردتوجه قرار گرفته است. وقتی به بحث قدرت بنگریم، با تحول در بحث قدرت روبه‌رو می‌شویم؛ چراکه در قرن شـانزدهم، کنترل شمش‌های طلا و مستعمرات در دستان اسپانیا بود. در قرن هفدهم، با امپراتوری هلند و قدرت تجاری روبه‌رو می‌شویم. در قرن هجدهم، با فرانسه روبه‌رو می‌شویم. در قرن نوزدهم، انگلستان با تأکید بر انقلاب صنعتی و نیروهای دریایی خودش به قدرت و استفاده از منافع و منابع دیگر کشورها روی می‌آورد. در قرن بیستم، با منابع قدرت در موشک‌های هسته‌ای، توان صنعتی، مردان مسلح وتانک‌ها مواجه می‌شویم که نمونه بارز آن را در نگاه کِندی و خروشچف می‌توان دید.

اما در قرن بیست‌ویکم، ما با عصر جهانی ارتباطات روبه‌رو می‌شویم که عصر دیجیتال اسـت. در این عصر، ما هم با تهدیدها و هم با فرصت‌ها مواجهیم. در اینجا موضوع مهم قدرت نرم موردتوجه قرار می‌گیرد و یک مفهوم توصیفی قلمداد می‌شود. برخی از مقاصد خوب یا بد را می‌توان در قدرت نرم موردتوجه قرار داد. مشـروعیت یک واقعیت در قالب قدرت نرم مطرح می‌شـود و قدرت نرم بحث اعتبار را مطرح می‌کند. جالب این است که منابع قدرت نرم از یک‌طرف، فرهنگ و از طرف دیگر، ارزش‌های سیاسی است و به‌نوعی به‌دنبال جذب و متقاعدسازی است. بنابراین، «جهاد تبیین» را می‌توان از نظر قدرت، مردم در نظر بگیریم؛ چراکه قدرت نرم هم می‌تواند به مشروعیت نظام سیاسی ما و هم می‌تواند به اعتبار فزاینده جمهوری اسلامی کمک کند. از این جهت، «جهاد تبیین» می‌تواند قدرت نرم محسوب شود و موردتوجه قرار بگیرد.

«جهاد تبیین»، مقوله و شاکله مهم از قدرت نرم است که البته لوازم بسیار جدی دارد. مهم‌تریـن لوازم قدرت نرم در قالب «جهـاد تبیین»، اخلاقیات، توجه به عنصر اخلاق، سخن متین، عقلانیت کامل، بصیرت و استدلال است؛ اما آنچه باید به آن توجه کنیم و رهبر انقلاب آن را موردتوجه قرار دادند این است که باید به‌معنای واقعی کلمه جهاد را در «جهاد تبیین» به‌کار ببریم. باید از شـیوه‌های اخلاقی در «جهاد تبیین» پیـروی کرد و از روش‌های دشـنام، تهمت، فریب و دروغ عـده‌ای در فضای مجازی، مطبوعات، رسانه‌ها و مقالات که افکار عمومی را ملتهب می‌کنند، اجتناب کنیم. رهبر انقلاب می‌فرمایند «جهاد تبیین» باید مبتنی بر سخن متین، مبتنی بر زینت عاطفه و عواطف انسانی و مبتنی بر نگاه و رویکرد اخلاقی باشد. نکته بسیار مهمی که ایشان ذکر می‌کنند این است که بالاخره همه ما در فضای «جهاد تبیین» سهم و مسئولیتی داریم و همه باید در این مسیر و میدان جدی حرکت بکنیم. از این بابت، «جهاد تبیین» در قالب قدرت نرم می‌تواند موضوع اساسی و جدی مطرح شود، به‌شرطی که از لوازم و منابع آن استفاده جدی شود.

باب نگاه الهیاتی

از باب مقوله الهیاتی و الهیات سیاسی شاید بتوان «جهاد تبیین» را در قالب جهاد اصغر مطرح کرد. ما در جهاد اصغر هم جهاد اقتصادی، هم علمی، هم سیاسی، هم فرهنگی و هم نظامی داریم. «جهاد تبیین»، نمونه دیگری از وجه جهاد است که رهبر انقلاب در این ایام آن را مشـخص می‌کنند. البته، «جهاد تبیین» به‌نوعی هم جهاد آفندی و هم جهاد پدافندی هم هست؛ اما این جهاد با جهاد کبیری که رهبر انقلاب از آن یاد می‌کنند هم مرتبط می‌شـود. جهاد کبیر در نگاه ایشان، یعنی اطاعت‌نکردن از دشمن کافر و خصمی کـه در میدان مبارزه با ما قرار گرفته اسـت و اگـر از او اطاعت نکنیم، تبعیت نکرده‌ایم. رهبـر انقلاب می‌فرماید در میدان‌های مختلف سیاسـت، اقتصاد، فرهنگ و هنر نباید از دشـمن تبعیت کرد. این خود جهاد کبیر اسـت. در واقع، جهاد تبیین را هم می‌توان در قالب جهاد کبیر موردتوجه قرار داد؛ مفهومی که در فرهنگ سیاسی رهبر انقلاب به‌طور جدی خودش را نشان می‌دهد.

«جهاد تبیین»، به مدیر جهادی نیز نیاز دارد. مهم‌ترین مدیران جهادی ما همین جوانان عزیز هستند که می‌توانند ارزش‌ها را به‌نوعی از گذشته بگیرند و آنها را روزآمد کنند و از حال به آینده انتقال بدهند. مدیر جهادی و کسی که در «جهاد تبیین» شرکت می‌کند، باید بتواند به‌نوعی با اتکا به ارزش‌های الهی و اسلامی نسبت به کارها مبادرت بورزد. رهبر انقلاب، اقدام جهادی را به‌معنای خسته‌نشدن در مقابل سختی‌ها و موانع تعریف می‌کنند که در آن ایمان به مسـیر و حرکت بر اساس فکر و منطق باشد. در نگاه الهیاتی به بحث جهاد، الزاماتی وجود دارد؛ الزاماتی مانند اعتقادات و باورها، جهاد نرم، بصیرت و بحث‌های ارزشی که در جهاد خودشان را نشان می‌دهند.

نکته مهمی که باید در «جهاد تبیین» در نظر گرفت این است که ما به برنامه‌ریزی، هدف‌گذاری، ارتباطات گسـترده و فزاینده و فراگیر، سـازماندهی ازپیش‌تعیین‌شـده، طراحی‌های جدید، نظام ارزشـی مبتنی بر انقلاب اسلامی و تصمیم‌گیری نیاز داریم. از نکات بسیار مهم در «جهاد تبیین» نوآوری، خلاقیت و انگیزه‌هایی است که باید بتوانیم خودمان را در آن نشان دهیم.

در «جهاد تبیین»، اخلاق‌مداری از جمله موضوعات مهمی اسـت که رهبر انقلاب بر آن تأکید دارند. در واقع، اخلاق‌مداری دعوت به رسیدگی به عمل و رفتار، دعوت بر اساس انصاف، صداقت و به‌نوعی دل‌سوزی و دعوت بر اساس پرهیز از حرص و امل و سخن‌چینی اسـت. بصیرت در «جهاد تبیین» هم بسـیار مهم اسـت. بصیرت، یعنی ظلم‌سـتیزی، دشمن‌شناسی، هوشیاری و جریان‌شناسی؛ لذا، باید تصمیم‌گیری‌ها بر اساس خرد باشد. در «جهاد تبیین» تصمیم‌گیری‌های اقناعی موردتوجه قرار می‌گیرد. تجزیه‌وتحلیل محیطی هم بسیار مهم است.

فرابخشی و منطقه‌ای‌بودن و سرعت در تصمیم‌گیری از موضوعات بسیار مهمی هستند که در «جهاد تبیین» می‌توانیم اشاره کنیم. یکی از موضوعات بسیار مهم دیگری که در بحث جهاد تبیین می‌توانیم به آن توجه کنیم ارتباطات مؤثر با مردم اسـت. در «جهاد تبیین» باید در درون مردم بود؛ یعنی مشـارکت و مشاهده میدانی داشت، از بدزبانی به مردم و مردم‌گریزی پرهیز کرد، سـرمایه اجتماعی و سـرمایه سیاسی را افزایش داد و به نقش مردم و مردم‌محوری بسیار توجه کرد. باید روحیه خدمتگزاری و کار جهادی را در «جهاد تبیین» موردتوجه ویژه قرار بدهیم.

از نکات مهم دیگر در «جهاد تبیین»، انقلابی‌گری اسـت. انقلابی‌گری، یعنی اتکا بر عزم ملی برای محرومیت‌زدایی، توجه به ریزش‌ها و رویش‌های انقلاب، توجه به اصل بسیار مهم اعتقاد به نظام و وفاداری به ارزش‌های انقلابی، اعتقاد به استقلال و لزوم خودکفایی و ولایت‌محوری و آرمان‌خواهی که می‌تواند در فضای جهاد خودش را نشان دهد. از این جهت، ما می‌توانیم انقلابی‌گری را به عنوان یکی از موضوعات جدی در فرآیند خرد، تصمیم‌گیری انقلابی و اخلاقی و عمل‌کردن در «جهاد تبیین» یک شاکله اصلی مطرح کنیم.

نکته مهمی که در اینجا باید به آن اشـاره کرد این اسـت که ناتو در سـال ۲۰۲۰، پنج حوزه جنگیِ زمین، هوا، دریا، فضا و فضای سـایبری را به رسـمیت شناخت. الآن بحثی جدیدی به نام جنگِ شـناختی ایجاد شـده است؛ یعنی ذهن انسان‌ها به میدان نبرد تبدیل می‌شـود. رهبر انقلاب جنگِ شناختی را با عبارت و موضوع دیگری مطرح می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «این را من از روی اطّلاع عرض می‌کنم که امروز انبوهی از رسانه‌ها با هزاران متخصص در کارند؛ برای چه؟ برای اینکه در نظام جمهوری اسلامی افکار و مذاق‌ها را برگردانند، ایمان و باورها را تضعیف و تخریب کنند... خب ما از خودمان سـؤال کنیم که ما در این جهادی که وجود دارد، در این جنگ بی‌امانی که بین اسلام و کفـر، بین حق و باطل، بین روایت دروغ و حقیقت وجود دارد، کجای این جبهه قرار و حضور داریم؟» ۱۴۰۰/۱۱/۳

***عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی**

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب